



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هشتم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۴

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 8, No. 3, Autumn 2025



الگوی زیست اخلاقی بر اساس دیدگاه فیلسوفان اخلاق اسلامی

حسین حاجی‌پور* | محمد میرزایی** | صغری رادان***

doi: 10.22034/ethics.2025.52100.1806

چکیده

زیست اخلاق اسلامی، نیازمند واکاوی دقیق مبانی نظری و عملی است تا در مواجهه با چالش‌ها، پاسخ‌گویی زیست اخلاقی و انسانی باشد. هدف این مقاله، تجمیع و تحلیل مبانی زیست اخلاق اسلامی بر اساس قرآن، سنت و تحلیل دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان معاصر در اخلاق اسلامی است. به همین جهت پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون و با رویکرد کیفی و تطبیقی، ضمن استخراج مضامین بنیادین از منابع اصلی و دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر در اخلاق اسلامی به تحلیل آنها پرداخته و به این یافته‌ها رسیده است که توحیدمحوری، عقلانیت، فطری و همگانی، اصالت روح، اختیار، کرامت، تبت الهی، محبت، جاودانگی اخلاق، پیوستگی نظام‌مند ابعاد اخلاقی، تربیت تدریجی، اخلاق؛ راه تقرب به خدا، تأثیر فعالیت جنود الهی و شیطانی در زیست اخلاقی، و توجه امکان به زنگار نفس، مهم‌ترین مبانی زیست اخلاق اسلامی هستند که در تقسیم‌بندی نهایی در قالب معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی مدل‌سازی شدند، نیز در الگوی مورد نظر، مبانی اخلاقی با تحلیل سه‌ساحت بینش، گرایش و رفتار و تقسیم‌بندی بر این اساس، ارائه گردید که پیوند نظری و عملی مبانی، و جامعیت، پویایی و قابلیت انطباق مبانی را در زیست اخلاقی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

مبانی اخلاق اسلامی، اخلاق، زیست اخلاقی، اخلاق اسلامی، الگوی اخلاقی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) | hosseinhajipour@iau.ir
** استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. | mmirzaei180@iau.ir
*** استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. | soghra.radan@iau.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳

■ حاجی‌پور، حسین؛ میرزایی، محمد؛ رادان، صغری. (۱۴۰۴). الگوی زیست اخلاقی بر اساس دیدگاه فیلسوفان اخلاق اسلامی. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۸(۲۸)، ۹۱-۱۱۲. doi: 10.22034/ethics.2025.52100.1806

مقدمه

با توجه به تحولات اجتماعی و فناوری معاصر، ابعاد مختلف زندگی انسانی دستخوش چالش‌های اخلاقی زیادی شده که این عرصه‌های گوناگون زیست انسانی، نیازمند الگوهای اخلاقی فراگیر و هماهنگ با مبانی توحیدی است. با وجود غنای عظیم مبانی اخلاقی در قرآن و سنت و دیدگاه‌های اندیشمندان اخلاق اسلامی، مُدل یکپارچه و نظام‌مندی برای هدایت زیست اخلاقی انسان در تمامی ابعاد زندگی عرضه نشده است. به همین جهت، ضرورت دارد به خاطر حفظ انسجام هویتی جامعه اسلامی مبانی زیست اخلاقی که ریشه در توحید و معنویت دارد، قالبی منسجم و چارچوبی قابل فهم ارائه شود تا افزون بر اینکه راهنمایی مناسب در تصمیم‌های روزمره انسانی و پاسخ‌گویی مسائل نوظهور باشد، سبب هم‌افزایی دیدگاه‌های اندیشمندان اخلاق اسلامی شود. البته، مطالعات و پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است و آیه‌الله مصباح یزدی در کتاب نقد و بررسی مکاتب اخلاقی و شهید مطهری در فلسفه اخلاق و آیه‌الله جوادی آملی در کتاب مبادی اخلاق در قرآن و کتاب مراحل اخلاق در قرآن به تبیین جزئی اصولی مثل قابلیت تبیین عقلانی یا نقش اصالت روح یا خلوص تبت در اخلاق فردی و دیگر موارد پرداخته‌اند، اما به صورت مستقیم پرداختن به مبانی در آثار ایشان وجود ندارد.

کتاب نظام اخلاقی و تربیتی اسلام: اهداف، ساحت‌ها و مراحل تربیت اخلاقی^۱ از دیگر موارد است و اگر چه در این کتاب اهداف، ساحت‌ها و مراحل اخلاق تبیین گردیده، اما مبانی مطرح نشده است. همچنین در کتاب مبانی نظری اخلاق و تربیت اسلامی^۲ به کلیاتی نظیر ملاک فعل اخلاقی، اختیار، گرایش‌های طبیعی انسان و فطرت پرداخته شده، اما مبانی به صورت مستقل درون متن نیامده است. در کتاب اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن^۳ که به قصد آشنایی اجمالی با مکاتب مهم غربی درباره مسائل اخلاق هنجاری و فرائد اخلاق و نقد آنها و ارائه نظام اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن بر اساس طرحی منسجم، سازوار و خردپسند با تکیه بر آیات قرآن کریم نوشته شده، ارزش‌های اخلاقی در قالب روابط انسان با خدا، خود و دیگران تحلیل شده است. در مقاله «مبانی انسان‌شناختی اخلاق از دیدگاه خواجه افضل الدین کاشانی»^۴ نیز ضمن بررسی رابطه

۱. حبیبی، رضا. (۱۳۹۷). نظام اخلاقی و تربیتی اسلام: اهداف، ساحت‌ها و مراحل تربیت اخلاقی. قم: نشر هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران.

۲. مصطفوی، زهرا. (۱۳۸۵). مبانی نظری اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات اطلاعات.

۳. شیروانی، علی. (۱۳۷۹). اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن. قم: نشر دار الفکر.

۴. میرزایی، محمدربیع؛ صادقی، هادی. (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناختی اخلاق از دیدگاه خواجه افضل الدین کاشانی.

شناختی و وجودی مثلث خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، حقیقت انسان، کمال نهایی و هدف غایی انسان مورد بحث واقع شده است و به مبانی به صورت مستقل پرداخته نشده است. این آثار و منابع مشابه بر مدل‌سازی نظام‌مند مبانی متمرکز نیستند و ذکر مبانی پراکنده در یک ساختار یکپارچه برای هدایت زیست اخلاقی انسان عرضه نشده است.

نوآوری پژوهش حاضر آن بوده که بر اساس آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی و روایی، ۱۴ مبنای تصریح شده در دیدگاه‌های اندیشمندان اخلاق اسلامی معاصر نظیر امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیه الله مصباح یزدی و آیه الله جوادی آملی را در تمامی ابعاد زندگی بر اساس روش تحلیل مضمون کشف، تجمیع و تحلیل کرده است که خود روش تحلیل مضمون تطبیقی، افزون بر تبیین مضمون‌های مشترک و تمایزهای برداشت متفکران، ساختاری پویا برای ترکیب آموزه‌ها در تعامل با مقتضیات نوین ارائه می‌دهد. همچنین جنبه دیگر نوآوری این مقاله، مدل‌سازی در چهار حوزه دسته‌بندی مبانی در ساحت‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزشی و تربیتی بوده است.



روش پژوهش

تحلیل مضمون، روشی کیفی برای شناسایی، استخراج و تحلیل الگوها و مضامین از داده‌های متنی است. این روش که روش برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود از داده‌های کیفی است، داده‌های متنوع و پراکنده را غنا بخشیده و تفصیل می‌دهد. همچنین مضمون بین اطلاعات مهم داده‌ها به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (رحیمی و سپهری، ۱۳۹۷، ص ۹۳). به تعبیر دیگر، مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در مورد سؤالات تحقیق است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۵۹). در این روش، پژوهشگر به جای تحلیل کمی داده‌ها، به دنبال معنای عمیق و شبکه‌ای مفاهیم است. آشنایی با داده‌ها و استخراج ایده‌های اولیه، گذراری اولیه در آیات، روایات و نظریات، شناسایی مضامین و دسته‌بندی کدها، بازبینی مضامین و ارزیابی آنها مرتبط با اهداف تحقیق، بیان شبکه‌ای مضامین و در نهایت، تحلیل و تفسیر نتایج، مراحل کلیدی روش تحلیل مضمون هستند (حاجی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۳۴۲-۳۶۴).

در این مقاله، روش تحلیل مضمون به شرح زیر انجام شده است که ابتدا گزاره‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، آیات قرآن و روایات مرتبط استخراج شده و کدگذاری شده‌اند. سپس داده‌ها بر اساس کدها، دسته‌بندی و مضامین اصلی، یعنی مبانی زیست اخلاقی استخراج شده‌اند. در سومین گام، شبکه‌ای از ارتباط بین مضامین اصلی، یعنی مبانی زیست اخلاق اسلامی ترسیم شده است تا نشان دهد هر مضمون چگونه به دیگر مباحث و محورهای پیوند خورده و ساختار کلان اخلاق زیستی اسلامی را می‌سازد. در پایان، یافته‌ها به صورت تحلیلی و استدلالی تفسیر شده‌اند تا چارچوب مبانی زیست اخلاق اسلامی کاملاً روشن شود.

فرایند استخراج مبانی در این پژوهش، بر اساس رویکرد تحلیل مضمون با تکیه بر اصول اشباع نظری و تکرار معنایی انجام گرفت. در مرحله گردآوری داده‌ها، گزاره‌های اخلاقی برگرفته از منابع قرآنی، روایی و متون اندیشمندان اخلاق اسلامی بررسی شد؛ سپس تنها مضامینی انتخاب گردید که سه ویژگی اصلی تکرار در منابع، پیوستگی مفهومی با غایت زیست اخلاق اسلامی، یعنی ناظر به ساحت معرفتی و عملی انسان بوده و قابلیت تبیین در الگوی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، و انسان‌شناسی، اشباع نظری و عدم افزوده مفهومی در مضامین بعدی داشتند. بر این اساس، تنها چهارده مبنا باقی ماندند که از نظر مفهومی تمام سطوح اخلاق اسلامی از مبانی عقلانی و فطری تا مبانی وجودی، تربیتی و اجتماعی را پوشش می‌دهند.

مفهوم‌شناسی

تبیین دقیق مفاهیم کلیدی مبانی، اخلاق، اخلاق اسلامی، زیست اخلاقی و الگو جهت‌دهنده پژوهش حاضر است که به تعریف و تبیین آنها پرداخته می‌شود.

«مبانی» در علوم انسانی به صورت کلی و در زیست اخلاقی به صورت خاص در این پژوهش به مجموعه پیش فرض‌های نظری گفته می‌شود که بنیاد هر نظریه یا نظام ارزشی را تشکیل می‌دهند. مبانی فراتر از بایدها و اصول‌اند و در واقع، شالوده نظریه‌ای هستند که بر اساس آن بایدها و اصول استخراج و توجیه می‌شوند (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۲-۳۳). برای نمونه، کرامت انسان یک مبناست که اصل احترام به کرامت انسانی از آن استخراج می‌شود و یا باید و حکم عملی از آن استخراج می‌شود که بر اساس این مبنا باید از جان انسان دفاع کرد. از این‌رو، مبانی چارچوب نظری را شکل داده و جهت کلی بایدها و اصول را تعیین می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲-۱۵).

کلمه «اخلاق» از ماده «خلق» به معنای صفت و خوی درونی انسان است (ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۲) و در اصطلاح، تنها مجموعه صفات نیک و بد نیست، بلکه شامل رفتارهای متخذ از این صفات نیز می‌شود و به انسان بالفعل و عمل متناسب با آن صفات نیز نظر دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰). «اخلاق اسلامی» نیز به عرصه‌ای گفته می‌شود که در آن نگرش‌های توحیدی، وحیانی و سنت نبوی و اهل بیت (ع) به‌عنوان مبانی معرفتی، ساختار هنجاری اخلاق را بنیان می‌نهد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰). منظور از «زیست اخلاقی» در این پژوهش و بر اساس اخلاق اسلامی زندگی کردن بر اساس مبانی، اصول و قواعد اخلاقی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است (نانیجی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۹).

به تعبیر دیگر، می‌توان زیست اخلاقی را نوعی سبک زندگی معرفی کرد که با معرفت فرد شروع و با انگیزه و تغییر و یا تقویت رفتار تداوم می‌یابد (بهمنی، ۱۴۰۲، ص ۳۱). در مجموع زیست اخلاقی یک سبک زندگی پویا و ارتباط مؤثر با خود و دیگران و مسئله‌ای چند وجهی و نیازمند به عوامل و فاکتورها و مؤلفه‌های گوناگون نظیر شرایط، کنش‌ها و واکنش‌هاست که باید ملاحظه شوند (رسولی، ۱۴۰۰، ص ۸۵-۸۶).

منظور از الگو نیز مدلی انتزاعی است که ارتباطات مفاهیم کلیدی را در قالب شکل‌گیری منظم برجسته می‌کند و در این مقاله، الگوی پیشنهادی، ترکیبی از دسته‌بندی قالب‌های معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی برای جهت‌دهی ۱۴ مبنای زیست اخلاقی و زمینه‌ساز ترسیم و تصویر آنها در تحلیل داده‌هاست.

استخراج مبانی زیست اخلاقی در بیان شبکه‌ای گزاره‌ها و تحلیل داده‌ها

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان معاصر در اخلاق اسلامی، داده‌ها تحلیل و مبانی متعددی استخراج گردید که توحیدمحوری و عبودیت، عقلانیت و قابلیت تبیین عقلانی، فطرت الهی و همگانی بودن اخلاق، اصالت و جاودانگی روح و رابطه با بدن، اختیار و حق انتخاب آگاهانه، کرامت انسانی، جایگاه نیت، یعنی اخلاص و تبت الهی، محبت الهی، جاودانگی و ثبات اصول اخلاقی، پیوستگی نظام‌مند ابعاد اخلاقی در زیست انسانی، تربیت اخلاقی تدریجی و تزکیه مستمر، اخلاق؛ راه تفریب به خدا، تأثیر فعالیت جنود الهی و شیطانی در زیست اخلاقی، زنگار نفس و حجاب گناهان و آسیب‌شناسی اخلاقی در زیست اخلاقی، مبانی کشف شده در منابع دینی و اخلاقی است.





توحیدمحوری

توحید و بندگی خالصانه خداوند یکی از مبانی زیست اخلاقی است و اخلاق اسلامی از توحید سرچشمه می‌گیرد و در نهایت، به توحید و عبودیت محض منتهی می‌شود. هر عملی از جمله عمل به دستورات اخلاقی زمانی ارزش دارد در راستای بندگی خداوند باشد (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۳۹). علامه، همانند امام خمینی (ره)، اساس و بنیان تمام کمالات و سعادت را «توحید» می‌داند و اخلاق بدون توحید را اخلاق بدون کمال معرفی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۲۰-۳۰).

عقلانی بودن

عقلانی بودن و قابلیت تبیین عقلانی از جمله مبانی است که در متون دینی و اخلاقی معرفی شده (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۳). از اوامر متعدد قرآن بر تعقل نیز می‌توان عقلانی بودن انسان و عقلانی بودن نظام اخلاقی برای او را فهمید (سوره بقره، آیه ۴۳). به تعبیری، دستورهای دینی در مباحث اخلاقی پشتوانه عقلانی و منطقی دارند و با استدلال هماهنگ هستند. از منظر مکتب اسلام، ظهور و بروز احساسات عقلانی است و قابلیت استدلال دارند و این‌گونه نیست که نتوان اعمال را همراه با احساساتی که وجود دارد، با دلیل عقلی توجیه کرد. با توجه به مبنای فوق، تخیلات، توهمات و حتی احساسات و عواطف بدون منطق جایگاهی در نظام اخلاقی اسلام ندارند. تأکید می‌شود که البته، خود احساسات و عواطف در زیست اخلاقی مؤثر هستند، اما مبتنی بر منطق و پشتوانه عقل اند. به همین جهت، می‌توان گفت که انسان‌ها هر چه عاقلانه‌تر در زندگی رفتار کنند، اخلاقی‌تر عمل کرده‌اند و هر چه اخلاقی‌تر عمل کنند، حتماً کار اخلاقی آنها عاقلانه است. البته، به تعبیر آیه الله جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۳، اما به تعبیر شهید مطهری، از مهم‌ترین ابزارهای هدایت بشری و بلکه حجت باطنی برای زیست اخلاقی است (شهید مطهری، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۷۸).

فطری و همگانی بودن

نظام اخلاقی اسلام یک مکتب فطری، فراگیر و همگانی است و برای همه انسان‌ها برنامه دارد و همه انسان‌ها می‌توانند در مسیر رشد و کمال و زیست اخلاقی قدم بردارند؛ یعنی اگر تک‌تک انسان‌ها با هر سن و موقعیتی با محوریت مکتب اسلام بر انجام رفتارهای اخلاقی مداومت

کنند، در مسیر هدایت و سعادت گام برداشته‌اند. اینکه همگانی بودن زیست اخلاقی در مکتب اسلام به خود اسلام برمی‌گردد از سخنان اندیشمندان اسلامی اخذ می‌گردد که بر فطری بودن، جاودانگی، همیشگی و جهان‌شمول بودن و هدایتگری اسلام تأکید کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴-۲۲۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۲۶). بنابراین، وقتی ادعای خاتمیت دارد، پس در همه امور از جمله در زیست اخلاقی باید توانایی شمولیت داشته باشد.

علامه طباطبایی و آیه‌الله جوادی آملی تصریح کرده‌اند که معرفت‌های فطری، از جمله معرفت به اصول اخلاقی، در سرشت انسان وجود دارند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۸۰). جهان‌شمول بودن اسلام در قرآن آمده «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند» (سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹). همچنین از عام بودن مخاطبان قرآن و اسلام، می‌توان همگانی بودن زیست اخلاقی در اسلام را فهم نمود. بر همین اساس، نظام اخلاقی و برنامه‌های اخلاقی اسلام برای نیل به سعادت، در یک سبک زندگی مشخص محدود نیست و نمی‌توان گفت که همه انسان‌ها باید به سبک زندگی و عمل کنند. البته، اصول اخلاقی یکسان است، اما نحوه مدیریت زندگی و زیست اخلاقی به تناسب انسان‌ها تغییر می‌کند.

اصالت و جاودانگی روح

انسان از جسم و روح تشکیل شده و اصالت انسان به روح اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲). این مبنا از قرآن قابل استخراج است (سوره انسان، آیه ۱). بنابراین، همان‌گونه که بدن اعضا دارد، روح هم قوا و نیروهایی مثل عقل، شهوت، غضب و محبت دارد و بدن ابزار روح است و البته، بدن و روح در هم تأثیرگذارند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۹۵) که نمونه‌های آن در روایات متعدد است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۳۴۹؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۷۰؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۸۲۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۶۱۱). همچنین چون روح جاودانه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲). بنابراین، اعمال قوام‌دهنده روح سبب شادمانی یا مایه عذاب آن می‌شوند. همچنین روح، تکامل و رشد می‌یابد و به سمت بی‌نهایت در حرکت است و هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود.

اختیار انسانی و انتخاب آگاهانه

اختیار انسانی و انتخاب آگاهانه کارها را اخلاقی می‌کند. توضیح آنکه تلاش آدمی در مسیر



اخلاقی زیستن تنها در صورتی صحیح است که انسان موجودی مختار باشد و گرنه کارهای اجباری اخلاقی نخواهند بود (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۳۴۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۳). این مبنا از آیات قرآن به دست می آید و قرآن کریم به صورت صریح تأکید می کند که انسان موجودی مختار است و اختیار آدمی است که ارزشمندی کارهای او را مشخص می کند (سوره بقره، آیه ۲۶۵؛ سوره غاشیه، آیه ۲۱-۲۲؛ سوره کهف، آیه ۲۹). ملامهدی نراقی اختیار را از مبانی اصلی اخلاق می داند و بدون آن، تربیت و تهذیب نفس را بی معنا می شمارد (نراقی، ۱۳۴۸، ص ۵۲).

کرامت انسانی

کرامت انسانی، یکی از مبانی بنیادین در زیست اخلاقی است و اخلاق اسلامی با تأکید بر شرافت ذاتی انسان او را موجودی ارزشمند و مسئول معرفی می کند. این مبنا افزون بر قرآن و احادیث، از آثار اندیشمندان اخلاق اسلامی نیز به دست می آید. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا نَبِيَّ آدَمَ» (سوره اسراء، آیه ۷۰) تأکید می کند که این کرامت عام است و به همه انسانها اختصاص یافته (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۱۳). شهید مطهری نیز بیان کرده که اخلاق اسلامی بر پایه ای استوار است که آن را «کرامت انسان» می نامیم؛ کرامت ذاتی انسان مقتضی برخوردی انسانی و محترمانه با هر فرد است (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۱۷). آیه الله مصباح یزدی نیز کرامت انسانی را پایه تمایز اخلاق اسلامی از دیگر نظام های اخلاقی دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۵۵-۴۷).

خلوص نیت

بر اساس اخلاق اسلامی، اعمال و رفتارهای انسانی با وجود نیت و انگیزه درست ارزشمند می شوند؛ یعنی اگر کسی رفتارهای خوب انجام دهد، زمانی او را به سوی رشد و تعالی رهنمون می سازد که نیت او خوب و شایسته و در جهت جلب رضایت خداوند است. حضرت علی (ع) می فرماید: «تَقَرَّبُ الْعَبْدِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِاخْلَاصٍ نِيَّةٍ: نزدیک شدن بنده به خدای سبحان به سبب خالص کردن نیت اوست» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۷۹). امام خمینی (ره) نیت را به قصد و اراده ای تعریف کرده که انسان را به چیزی وادار می کند (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۵۶). آیه الله مصباح یزدی نیز نیت را انگیزه اختیاری و آگاهانه برای انجام دادن کارها می داند (مصباح یزدی، بی تا، ص ۲۱). با توجه به نکات پیش گفته، می توان نیت را انگیزه و داعی و شوقی انگاشت که شخص با

هدف و غایتی قصد انجام کاری را دارد. در واقع، تبت همان انگیزه به همراه قصد و هدف برای انجام کار است که در زیست اخلاقی مبتنی بر اسلام، علاوه بر آنکه عمل باید حسن باشد، ارزش‌گذاری آن مبتنی بر حسن فاعلی است، امام خمینی (ره) تبت را روح عمل (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۵۸) و آیه الله جوادی آملی تعیین‌کننده جهت‌گیری اخلاقی عمل می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲). حسن فاعلی با خلوص تبت (انگیزه مبتنی بر رضایت خداوند) دارای مراتب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ب)، ص ۲۸۵) که احادیث متعددی نشانگر مبنا بودن نیت خالص در زیست اخلاقی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۴۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۷۹). ملا احمد نراقی نیز تصریح کرده صلاح و فساد عمل تابع تبت است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵).

محبت الهی

حُب الهی، به عنوان مبنای مهمی در زیست اخلاقی است و در اخلاق اسلامی، رسیدن به محبت پروردگار، غایت و انگیزه نهایی برای رفتار اخلاقی است و از این رو، قرآن بر رابطه دوطرفه محبت بنده و خدا تأکید دارد (سوره مائده، آیه ۵۴). در روایات نظیر فرمایش پیامبر اکرم (ص) دین که همان کمال زیست اخلاقی است، چیزی جز محبت نیست (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۹۵)، امام خمینی (ره) هم بر اساس منابع دینی و بر این اساس که عبادت مسیر زیست اخلاقی است، عبادت را محبت به خدا می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۳، ص ۷۳). اندیشمندان اخلاق، فضایل همچون اخلاص، ایثار، صداقت و فروتنی را محصول محبت به خدا می‌دانند که همین نشانگر مبنا بودن محبت خدا در زیست اخلاقی است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱، مقدمه).

جاودانگی اصول اخلاق اسلامی

یکی از مبانی در زیست اخلاقی بر اساس اسلام آن است که اصول اخلاقی ثابت و جاودانه‌اند و به تناسب موقعیت‌ها و مکان‌ها و زمان‌ها تغییر نمی‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۴۷؛ دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۷، ص ۲۵). برای مثال، عدالت در همه جا خوب است. این گونه نیست که عدالت در برخی مواقع خوب باشد و در برخی مواقع بد، یا این گونه نیست که ظلم در برخی زمان‌ها خوب باشد. علامه طباطبایی بر تغییرناپذیری و فراتاریخی بودن اصول اخلاقی از منظر اسلام تأکید کرده است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۱۰).



پیوستگی نظام‌مند ابعاد اخلاقی در زیست انسانی

اخلاق همچون شبکه‌ای درهم‌تنیده است که تمامی ابعاد وجودی انسان - اعم از درونی و بیرونی - را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نظام یکپارچه، از سه لایه اساسی تبت و انگیزه به عنوان بُعد شناختی، صفات و ویژگی‌های ثابت اخلاقی به عنوان بُعد شخصیتی و رفتارهای عینی به عنوان بُعد عملی تشکیل شده است که همه اینها در زیست اخلاقی و انسانی با هم مرتبط و مؤثرند. به عنوان مثال، فردی که انفاق مالی انجام می‌دهد، زمانی که این عمل با تبت خالص و به خاطر رضایت الهی است، نه تنها چرخه‌ای از خیر و نیکی در جامعه ایجاد می‌شود، بلکه با تکرار آن ابتدا صفتی پایدار مانند سخاوت به عنوان فضیلت در او تقویت می‌گردد که موجب تقویت سعادت خود اوست و تقویت صفت در وجود او سبب تسهیل در تکرار عمل خیر می‌گردد، اما اگر همین رفتار با تبت ریا که رذیلت است، انجام شود، حتی اگر به ظاهر مفید باشد، در باطن موجب فرسایش شخصیت فرد و ترویج نفاق اجتماعی می‌گردد. بنابراین، بین تبت الهی، فضایل اخلاقی و عمل نیک به عنوان ابعاد اخلاقی یک پیوستگی نظام‌مند وجود دارد.

لازمه یکپارچگی ابعاد اخلاقی مذکور و تأثیر آنها در زیست اخلاقی، تأثیر آنها در یکدیگر است، یعنی افزون بر تأثیر تبت و خلوص تبت در تقویت شخصیت اخلاقی و رفتار مطلوب، فضایل و منش هم در اعمال و رفتارهای مطلوب بعدی مؤثرند. همچنین افزون بر اینکه انسان باید به دنبال وظیفه اخلاقی خویش باشد، باید به نتایج مطلوب اعمال خویش هم توجه داشته باشد. مجموعه آنها با یکدیگر در موقعیت‌های مختلف سبب رشد و کمال اخلاقی انسان و سبب زیست اخلاقی بهتر او می‌گردد. به تعبیر دیگر، حالات مردم و موقعیت‌های مختلفشان اقتضا می‌کند که گاهی بر مبنای وظیفه‌گرایی و گاهی بر مبنای نتیجه‌گرایی عمل کنند. اسلام به‌عنوان دین خاتم و جامع و جهان‌شمول ظرفیت پوشش دادن به همه احوالات مختلف و موقعیت متنوع انسانی را دارد و همه ابعاد فوق به صورت یکپارچه در زیست اخلاقی مؤثرند (صادق، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

تربیت اخلاقی تدریجی و ترکیه مستمر

رشد اخلاقی، فرایندی تدریجی و مداوم دارد که نیازمند تلاش و ترکیه مستمر است و شکوفاسازی استعدادها نیز غالباً به گونه‌ای تدریجی صورت می‌پذیرد؛ چنانکه تنزل و سقوط انسان نیز سیری آرام و آهسته دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، جلسه ۴۷). مراعات تدریج در تربیت که از سویی با بینش و از سوی دیگر، با کُنش همراه است، سبب می‌شود فرد آمادگی لازم برای انجام تکالیف دشوارتر



به دست آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲) و اگر انسان در زمینه تربیت تندرستی کند و به نفس فشار بیاورد، نفس سرکشی می‌کند و مهار را از دست انسان خارج می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۳).
 تبیین مطلب از منظر فلسفی و بنا بر حرکت جوهری، بدین صورت است که همه موجودات مادی دارای حقیقتی سیال‌اند، و پیوسته در حال نو شدن هستند، پس نفس که از طریق بدن مادی استکمال پیدا می‌کند، دارای وجودی تدریجی خواهد بود، یعنی انسان پیوسته در سیر تدریجی از قوه به فعل قرار دارد و شاکله انسانی به تدریج شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که رفتار بیرونی و افکار درونی در فعل و انفعالات خود به تدریج ملکات متناسب به وجود می‌آورند. از این رو، باید برای تربیت اخلاقی، فرایندی تدریجی در نظر گرفته شود و در مراحل مختلف اجرا شود (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ خسرو نژاد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴-۱۰۶).

اخلاق؛ راه تقرب به خداوند

هر گام اخلاقی مؤمن سبب تقرب او به سوی خداوند متعال می‌گردد و گام برداشتن در مسیر خدا و قرب الی الله دارای قاعده مشخص و دستورالعمل نتیجه‌بخشی است که با انجام آن، همه سالکان طریق الی الله با سعی و تلاش خود در مسیر تقرب قرار می‌گیرند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۹۸؛ شهید مطهری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۹۰) و از لذات معنوی آن در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند. قاعده و فرمول تقرب به خدا همان تجلی صفات الهی و به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی انسان معرفی شده (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۲۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۹۹ و ج ۳، ص ۱۴۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۹) و این قرب با آگاهی، اختیار و تلاش انسان به دست می‌آید.

تأثیر فعالیت جنود الهی و شیطانی در زیست اخلاقی

بر مبنای اخلاق اسلامی، جنود الهی در جهت زیست اخلاقی انسان برای هدایت او فعال هستند و از طرفی شیطان و لشکریانش هم در جهت انحراف و سقوط اخلاقی انسان در تکاپو هستند. البته، این مبنا منافاتی با اختیار انسانی ندارد؛ زیرا انسان‌ها در فضای انتخاب‌گرانه به‌خوبی یا بدی کشش پیدا می‌کنند. سپاهیان و لشکریان خداوند متعال مختلفند که فرشتگان الهی، پیامبران، امامان و سایر اولیای در طول مسیر زندگی و زیست اخلاقی به کمک انسان می‌آیند.

قرآن کریم درباره تأثیر فرشتگان می‌فرماید: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ: در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) به اذن خدا بر مقام ولایت نبی و امام عصر (ع) از هر





فرمان و دستور الهی نازل می شوند (و سرنوشت و مقدرات خلق را نازل می گردانند) (سوره قدر، آیه ۴). «تنزل» فعل مضارع است؛ یعنی همیشه در شب های قدر ملائکه خاص الهی فرود می آیند. البته، ممکن است گفته شود که ملائکه بر قلب امام زمان (عج) نازل می شوند و ارتباطی با دیگر انسان ها ندارند. پاسخ آن است که چون امام زمان (عج) برای هدایت انسان ها تلاش می کند، پس چه در یک فرایند مستقیم و یا در یک فرایند غیر مستقیم ملائکه برای هدایت انسان ها تلاش می کنند.

پیامبران و از جمله حضرت محمد مصطفی (ص) نیز به عنوان راهنمایان برای هدایت الهی و زیست اخلاقی انسان ها برانگیخته شده اند. قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ: اوست خدایی که میان عرب امی پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد» (سوره جمعه، آیه ۲). همچنین در زیارت جامعه کبیره نیز عبارت های والایی مبنی بر این بیان شده که امامان هدایتگران جامعه هستند.

امکان زنگار گرفتن نفس

«اگر نفس به حال خود رها شود، زنگار می گیرد و به سمت گناه می رود». این مبنا از قرآن کریم به دست می آید (سوره یوسف، آیه ۵۳)، امام علی (ع) می فرماید: «وَإِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْزِعُ إِلَى مَعْصِيَةِ فِي هَوَى: نفس پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۸). اینکه وقتی نفس رها شود، به سمت بدی کشش و گرایش پیدا می کند، به خاطر یک سری نیازها و ویژگی ها در وجود انسان هاست که اگر در مسیر درست فعال نشوند - با توجه به فعالیت جنود شیطانی - به بیراهه می روند. مهم ترین ویژگی های نفس، حقیقت جویی (نک: سوره حجرات، آیه ۱۲؛ سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۷؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۵۵). کمال خواهی و قدرت طلبی (نک: سوره مانده، آیه ۴۸؛ سوره بقره، آیه ۲۵۸؛ سوره قصص، آیه ۴؛ سوره نازعات، آیه ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۹۹ و ج ۱۱۰، ص ۳۴). لذت جویی (نک: سوره مانده، آیه ۸۸-۸۷؛ سوره زخرف، آیه ۷۱؛ سوره صافات، آیه ۴۳-۴۶؛ سوره محمد، آیه ۱۲ و ۱۵؛ سوره بقره، آیه ۲۵؛ توبه، آیه ۷۲؛ سوره روم، آیه ۱۵؛ سوره آل عمران، آیه ۱۴؛ سوره جمعه، آیه ۱۱)، میل به جاودانگی و بقا (نک: سوره اعراف، آیه ۲۰؛ سوره اعلی، آیه ۱۷؛ سوره قصص، آیه ۶۰؛ سوره شوری، آیه ۳۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۶۵) و زیبایی خواهی (نک: سوره نحل، آیه ۸؛ سوره معارج، آیه ۵؛ سوره یوسف، آیه ۵۳؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۳۸) هستند که اگر در جهت درست به فعلیت برسند، انسان رشد پیدا می کند، اما اگر نفس به حال خود رها شود، چون این ویژگی ها می خواهند به فعلیت برسند، به سمت نادرست حرکت می کنند. جدول زیر، مبانی زیست اخلاقی را بر اساس متون اسلامی نشان می دهد.

جدول مبانی زیست اخلاقی در متون اسلامی

ردیف	مبنا	تحلیل مضمون از منابع اسلامی
۱	توحیدمحوری	زیست اخلاق اسلامی بر محور توحید استوار است.
۲	عقلانی بودن	اخلاق اسلامی با تکیه بر عقل، رفتارهای زیستی را قابل تبیین، پایش و اصلاح می‌داند.
۳	فطری و همگانی	زیست اخلاق اسلامی از فطرت الهی انسان نشأت می‌گیرد و همگانی است.
۴	اصالت و بقای روح	اخلاق اسلامی، روح را محور اصلی انسان دانسته که ارزش زیست در پرتو بقا آن است.
۵	اختیار و انتخاب	اخلاق اسلامی، حق انتخاب آگاهانه را مقدس شمرده که مسئولیت‌ها را خودش عهده‌دار است.
۶	کرامت انسانی	اخلاق اسلامی، کرامت ذاتی انسان را مبنای همه ارزش‌های زیستی قرار می‌دهد.
۷	خلوص نیت	اخلاق اسلامی، خلوص نیت را شرط لازم برای کیفیت بخشیدن به رفتارهای زیستی می‌داند.
۸	محبت الهی	اخلاق اسلامی، محبت به خدا را انگیزه‌ای برای حفظ و تعالی زیست انسان می‌داند.
۹	جاودانگی اصول	اخلاق اسلامی، اصول اخلاقی را ثابت، تغییرناپذیر و چارچوبی پایداری برای زندگی می‌داند.
۱۰	پیوستگی نظام‌مند ابعاد اخلاقی	تمام ابعاد وجودی و اخلاقی به صورت یکپارچه در انسان مؤثرند و اسلام اخلاق را در همه ابعاد زیستی جاری و نافذ می‌شمارد.
۱۱	تربیت تدریجی	اخلاق اسلامی، رشد اخلاقی را فرایندی بلندمدت با تمرین مستمر و پالایش نفس می‌شناسد.
۱۲	اخلاق؛ راه تقرب به خدا	اخلاق اسلامی، هر اقدام را فرصتی برای تقرب به خدا و ارتقای مقام معنوی انسان می‌داند.
۱۳	فعالیت جنود الهی و شیطانی	اخلاق اسلامی، زندگی مختارانه انسان را میدان نبرد نیروهای الهی و شیطانی می‌شناسد.
۱۴	امکان زنگار نفس	اسلام، مراقبت از نفس برای زدودن گناه یا پیش‌گیری از انحراف را ضروری می‌داند.



۱۰۳

الگوی زیست اخلاقی بر اساس دیدگاه فیلسوفان اخلاق اسلامی

دسته‌بندی نهایی مبانی بر اساس الگو

با توجه به اینکه مبانی را می‌توان به معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی تقسیم کرد، مبانی زیست اخلاقی را می‌توان در قالب‌های مذکور تبیین و تحلیل کرد. در دسته‌بندی معرفت‌شناختی که به ابعاد ذهنی و شناختی اخلاق برمی‌گردد، انسان از طریق عقل، نیت خالص و داشتن محبت الهی به دانش و فهم اخلاق دست می‌یابد. همچنین در دسته‌بندی هستی‌شناختی که به بررسی ذات، ماهیت و وجود انسان می‌پردازد، جوهر اخلاق انسانی با مبانی چون توحیدمحوری، اصالت و جاودانگی روح و جاودانگی اصول اخلاقی معنا می‌یابد و سه مبنای فوق در قالب هستی‌شناسی، اخلاق اسلامی را به عنوان پدیده‌ای مطلق، همگون و بنیادی معرفی می‌کنند که در ریشه‌های متافیزیکی و دینی جامعه اسلامی جای دارند. در دسته‌بندی جهان‌شناختی که به ابعادی ورای انسان اشاره دارد و اخلاق انسانی را در ارتباط با محیط زیست پیرامون معنا می‌کند، مبانی پیوستگی ابعاد اخلاقی در زندگی، تربیت اخلاقی تدریجی و اخلاق؛ راه تقرب به خداوند با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی فرد، و تأثیر فعالیت جنود الهی و شیطانی در زیست اخلاقی مربوط به این قالب است. در دسته‌بندی انسان‌شناختی که به بررسی ابعاد وجود فرد به عنوان محور اخلاق اسلامی می‌پردازد و بر ویژگی‌ها ذاتی انسان تأکید می‌کند، مبانی فطری و همگانی بودن، اختیار و انتخاب آگاهانه، کرامت انسانی و امکان زنگارنفس ابعاد انسانی اخلاق را به صورت ذاتی، آزادی انتخاب و احترام به کرامت فردی منعکس می‌کنند. جدول زیر مبانی استخراج شده در زیست اخلاقی را در چهار دسته معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به تفکیک نمایش می‌دهد.

توضیح بیشتر در تبیین روابط میان حوزه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی در الگوی نهایی زیست اخلاق اسلامی آن که در الگوی نهایی، مبانی مذکور در یک نظام وابسته و سلسله‌وار با یکدیگر تعامل دارند و از استقلال محض برخوردار نیستند، بلکه هر ساحت، پیش‌فرض یا پیامد دیگری است؛ در آغاز، معرفت‌شناسی اخلاقی، بُعد شناختی زیست اخلاق را آشکار می‌سازد و عقلانیت، نیت و محبت الهی زمینه ادراک حقیقت اخلاق را فراهم می‌آورد و بلکه چراغی برای فهم هستی‌شناسی اخلاق است. هستی‌شناسی اخلاق از این ادراک تغذیه کرده و مبانی چون توحیدمحوری، اصالت روح و جاودانگی اصول اخلاقی را توضیح می‌دهد تا حقایق اخلاقی را به صورت واقعی و عینی در نظام وجودی انسان تثبیت کند. سپس، جهان‌شناسی اخلاق نقش پیونددهنده دارد و تعامل میان معرفت و هستی را به عرصه



عمل و جامعه منتقل می‌کند؛ مضامینی چون پیوستگی ابعاد اخلاقی و نقش نیروهای الهی و شیطانی، نظام رفتاری اخلاق را در بستر جهان عینی و اجتماعی معنا می‌بخشند. در نهایت، انسان‌شناسی اخلاق محصول این سه ساحت پیشین است و وضعیت انتخاب، کرامت، فطرت و امکان تزکیه را در وجود انسانی توضیح می‌دهد؛ در واقع، انسان‌شناسی، بستر تحقق و تجلی عملی یافته‌های معرفتی و هستی‌شناختی در متن زیست اخلاقی است.

ارتباط این چهار حوزه، چرخه‌ای پویاست، یعنی معرفت‌شناسی، مبادی ادراک و ارزش‌گذاری را پدید می‌آورد و هستی‌شناسی آن ارزش‌ها را در سطح واقعیت تثبیت می‌کند و جهان‌شناسی آن واقعیت را به صحنه‌گشای اخلاقی می‌کشاند و انسان‌شناسی حاصل و بازتاب زنده این فرایند در وجود انسان است. از این‌رو، ساختار نهایی زیست‌اخلاق اسلامی تجزیه‌ای نیست، بلکه بر وحدت متجلی است و هر ساحت در عین استقلال مفهومی، در سطح کارکردی با دیگری در رابطه علی، مفهومی و کارکردی قرار دارد و همین پیوستگی، تداوم رشد اخلاقی را تضمین می‌کند.

جدول دسته‌بندی نهایی مبانی زیست اخلاق اسلامی

ردیف	دسته‌بندی و قالب	مبنا	گزاره استخراج شده در تحلیل مضمون
۱	معرفت‌شناختی	عقلانیت	تعقل و عقلانیت، راهنمای تشخیص خیر و شر و ایجاد بینش اخلاقی است.
۲	معرفت‌شناختی	نیت	نیت خالص، بستر اصلی پذیرش اعمال اخلاقی در قلب و ذهن انسان است.
۳	معرفت‌شناختی	محبت	محبت به خدا، نیروی محرکه در رشد اخلاقی و جهت‌دهنده رفتار است.
۴	هستی‌شناختی	توحیدمحوری	اخلاق اسلامی از محور توحید (منبع ارزش‌ها و الزامات اخلاق) ناشی می‌شود
۵	هستی‌شناختی	اصالت و بقای روح	روح جاودان انسان نشان از اصالت وجودی و نامحدودیت بُعد معنوی او دارد.
۶	هستی‌شناختی	جاودانگی اصول	اصول اخلاقی ناشی از وحی الهی، ثابت و تغییرناپذیر هستند.



ردیف	دسته‌بندی و قالب	مبنا	گزاره استخراج شده در تحلیل مضمون
۷	جهان‌شناختی	پیوستگی ابعاد اخلاقی	رفتار اخلاقی در تمامی ابعاد زندگی در چارچوب یکپارچه پیوند می‌خورد.
۸	جهان‌شناختی	اخلاق؛ راه تَقرب به خدا	هر قدم معنوی جهت نزدیکی به خدا سبب رشد اخلاقی و تقویت روح است
۹	جهان‌شناختی	تاثیر جنود الهی / شیطانی در اخلاق	نبرد درونی بین نیروهای الهی و شیطانی، نمایانگر عمق تعارض‌های اخلاقی و تلاش برای ارتقای روحانی انسان است.
۱۰	انسان‌شناختی	تربیت تدریجی	رشد اخلاقی به صورت پیوسته و تدریجی همراه با تزکیه نفس است.
۱۱	انسان‌شناختی	فطری و همگانی	همه انسان‌ها به طور ذاتی و همگانی از فطرتی اخلاقی برخوردار هستند.
۱۲	انسان‌شناختی	اختیار و انتخاب	آزادی انتخاب، شرط لازم برای پذیرفتن مسئولیت‌های اخلاقی است.
۱۳	انسان‌شناختی	کرامت انسانی	ارزش ذاتی و فطری هر انسان در کرامت او تجلی می‌یابد.
۱۴	انسان‌شناختی	امکان زنگار نفس	توجه به زنگار نفس، زمینه‌ساز اصلاح و تهذیب در مسیر رشد اخلاقی است.

یافته‌هایی که از ترکیب مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی رخ می‌نماید، امکان ارائه یک مُدل کلی و هم‌راستا از زیست اخلاق اسلامی را فراهم می‌آورد. تحلیل نظام‌مند چگونگی شکل‌گیری مُدل یکپارچه زیست اخلاق اسلامی از نقش هر مبنا در مدل‌سازی و تعامل آنها با یک‌دیگر به دست می‌آید. در مبانی مرتبط با معرفت‌شناسی که پایه‌شناختی مُدل است، کارکردهایی چون شناخت اخلاقی عقل، نیت خالص و محبت الهی مطرح می‌گردد و تعامل عقلانیت و توحیدمحوری سبب استنباط ارزش‌های اخلاقی از وحی شده و عقل سلیم دینی را به عنوان معیار اخلاق شکل می‌دهد. در مبانی مرتبط با هستی‌شناسی، کارکردهای اثبات عینیت ارزش‌های اخلاقی و رد نسبی‌گرایی با تأکید بر جاودانگی اصول مطرح

می‌شود و تعامل اصالت روح و جاودانگی آن به انسان‌شناسی جهت می‌دهد. در مبانی مربوط به جهان‌شناسی، کارکردهایی چون نشان دادن پیوند نظام‌مند بین رفتارهای اخلاقی در عرصه‌های فردی، اجتماعی و عبادی و تبیین نقش اخلاق در تقرب به خدا به عنوان غایت نهایی طرح می‌شود و تعامل و ترکیب نبرد درونی جنود الهی و شیطانی با مبنای اختیار انسان مسئولیت‌پذیری اخلاقی را توجیه می‌کند. در مبانی مربوط به انسان‌شناسی نیز به عنوان پایه عملیاتی مدل، کارکرد ارائه الگوی تربیتی متناسب با فطرت و کرامت انسانی، پیش‌بینی موانع رشد اخلاقی مانند «زنگار نفس» مطرح می‌شود و تعامل فطرت اخلاقی با محبت الهی پیوند می‌خورد.

همچنین سلسله‌مراتب ارزشی مبانی چهارگانه به سطوح مختلف نیز در ارائه مدل یکپارچه در زیست اخلاق اسلامی مؤثر است؛ زیرا مبنایی چون توحیدمحوری در هستی‌شناسی به عنوان معیار نهایی، سطح کلان الگو می‌باشد، مبنایی چون پیوستگی ابعاد در جهان‌شناسی به عنوان چارچوب اجرایی، سطح میانی الگوست، همچنین مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی به عنوان ابزارهای تحقق، سطح خرد الگو را تشکیل می‌دهند. همچنین از مؤلفه‌ها و محورهای چون جامعیت که همه سطوح وجودی انسان اعم از عقل، قلب، رفتار را پوشش می‌دهد، و انعطاف‌پذیری بدون نسبی‌گرایی که به تنوع موقعیت‌های اخلاقی پاسخ می‌دهد، و انسجام درونی مبانی که مستقل از دیگر مبانی عمل نمی‌کند، و ضمانت اجرایی که افزون بر توجه به انگیزه‌های درونی، به آثار اجتماعی هم توجه دارد، می‌توان ارائه مدل یکپارچه در زیست اخلاق اسلامی را از مبانی فوق فهم و استخراج کرد. همچنین الگوی مبانی را می‌توان بر اساس بینش، گرایش و رفتار انسانی تحلیل نمود و چون بینش، زیربنای گرایش و گرایش، انگیزه‌ساز رفتار است. از این‌رو، یکپارچگی نظری و عملی ساحت‌ها بر اساس مبانی، سبب نظام‌مند شدن چرخه‌ای در رشد اخلاقی است. نیز چون نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر دو محور صفات و افعال است. از این‌رو، مبانی را می‌توان بر اساس صفات شناختی، صفات انگیزشی، و کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری تعریف و تقسیم کرد که صفات شناختی ریشه فهم و هویت اخلاقی‌اند، صفات انگیزشی نیروی بالابرنده عمل‌اند و کنش‌ها و واکنش‌ها، ظهور خارجی اخلاق‌اند و بدون رفتار و تزکیه، هیچ مبنای نظری تحقق نمی‌یابد.

عقلانیت، توحیدمحوری، جاودانگی و ثبات اصول اخلاقی، اصالت روح، و فطری بودن اخلاق که چارچوب ذهنی برای تفسیر پدیده‌های اخلاقی فراهم می‌کنند، مبانی بینشی و زیربنای فهم و هویت اخلاقی هستند و تبت خالص، محبت الهی، اخلاق؛ را تقرب به خدا، کرامت انسانی، نبرد درونی و تأثیر فعالیت جنود الهی و شیطانی در زیست اخلاقی که پل ارتباطی بین



شناخت و عمل‌اند، مبانی‌گرایشی- انگیزشی و نیروی محرکه برای عمل اخلاقی هستند. پیوستگی ابعاد اخلاقی، تربیت تدریجی، اختیار، و امکان زنگار نفس، نیز مبانی رفتاری و تجلی عینی اخلاق در ساحت عمل هستند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با روش تحلیل مضمون، ضمن استخراج ۱۴ مبنای زیست اخلاقی از متون قرآنی، روایی و دیدگاه‌های اندیشمندان اخلاقی معاصر، چارچوبی نظام‌مند و چندلایه برای فهم و کاربرد زیست اخلاق اسلامی ارائه شد. در ادامه، ضمن جمع‌بندی دستاوردهای اصلی در الگوی مورد نظر به استخراج مبانی بر اساس قالب‌های تحلیلی با رویکرد نظام اخلاقی مبتنی بر صفات و نظام اخلاقی مبتنی بر افعال در سه ساحت بینش، گرایش و رفتار اتمام شد.

تحلیل مضمون آیات و روایات نشان داد که مبانی ۱۴ گانه افزون بر آن‌که درون‌زا و فطری هستند، به صورت شبکه‌ای با یکدیگر در تعامل‌اند. مثلاً مبنای توحیدمحوری پشتوانه نظری همه اصول است و اعمال تربیتی زیربنای عملی نگهداری تمام مبانی است.

در ساماندهی مبانی در چشم‌انداز کلان و چارچوب چهارگانه معرفت‌شناختی به عنوان نهاد شناختی اخلاق، هستی‌شناختی به عنوان ذات و ماهیت اخلاق، جهان‌شناختی به عنوان ارتباط‌دهنده اخلاق با محیط پیرامون، و انسان‌شناختی به عنوان ابعاد وجودی فرد، هر مبنا را در پشتوانه‌ای نظری یا عملی جای گرفت و نشان داد که زیست اخلاق اسلامی هم‌زمان ریشه در هستی و وحی دارد، قابلیت تبیین عقلانی دارد، و هم‌زمان که متکی به فرایندهای اجتماعی و فردی است، مبتنی بر ساختارهای درونی انسان است.

یکی از نوآوری‌های مقاله، تفکیک مبانی به دو رویکرد نظام اخلاقی مبتنی بر صفات و نظام اخلاقی مبتنی بر افعال است که برخی مبانی چون توحیدمحوری، عقلانیت، فطرت، روح، نیت، محبت، فعالیت نیروها، زنگار نفس متکی بر صفات‌شناختی و انگیزشی هستند و برخی مبانی نظیر اختیار، پیوستگی ابعاد اخلاقی، تفریب، ترکیه و تربیت متکی بر کُش‌ها و فرایندها هستند و این محور سبب توجه به صفات به عنوان درون‌مایه اخلاق و به رفتار به عنوان بُعد کاربردی اخلاق و زیست اخلاقی می‌شود.

همچنین مبانی بر اساس رویکرد سه‌گانه «بینش، گرایش، و رفتار» بازتعریف شدند که این سه مرحله، ساختار چرخه‌ای رشد اخلاقی، یعنی باور و فهم درست، انگیزه و عاطفه، و عمل و



تمرین را ترسیم می‌کند

نتایجی که در تحلیل داده‌ها و الگوی مبانی زیست اخلاقی به دست آمد، عبارتند از: مبانی زیست اخلاقی سلسله‌مراتبی منعطف و زنجیره‌ای پویا و شبکه‌ای هستند و هر مبنایی می‌تواند در دو یا سه حوزه نقش آفرینی کند.

ارائه الگوی مبانی بر اساس قالب‌ها و رویکردهای متنوع، خط فاصلی میان نظریه و عمل نگذاشته، بلکه پیوند ژرف میان شناخت، انگیزش و کنش را نشان می‌دهد. این همگرایی و یکپارچگی نظری و عملی، راهگشای هادینه‌سازی زیست اخلاق در سطوح فردی و اجتماعی است. این مدل چرخه‌ای، افزون بر ارتقای فردی، بستری برای تحوّل جمعی فراهم می‌آورد، یعنی وقتی انسجام درونی در عموم افراد شکل بگیرد، رفتارهای فردی در جامعه بازتاب اخلاقی‌ای خواهد داشت و نهادهای اجتماعی را متحوّل می‌کند.

الگوی پیشنهادی، یک چارچوب نظری جامع برای نظام اخلاق اسلامی فراهم می‌کند که قابلیت مقایسه، هم‌پوشانی و ترکیب با دیگر نظریه‌های اخلاقی را دارد و می‌تواند در غنای ادبیات نظری این حوزه مؤثر باشد.

مدل ارائه‌شده، پیوند ساختاری میان مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که انسجام نظری در فلسفه اخلاق اسلامی، برآمده از هماهنگی درونی این چهار حوزه کلان است.

فهرست منابع

* قرآن کریم:

بهمنی، فرانک. (۱۴۰۲). مبانی فلسفی انگیزشی مؤثر بر زیست اخلاقی در منظومه فکری ملاصدرا.

پژوهش نامه اخلاق، (۶۲)، ۴۸-۲۷.

تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸-۱۳۸۹). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). مراحل اخلاق در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). قم: نشر اسراء.



- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). تحریر تمهید القواعد. قم: نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). شریعت در آئینه معرفت. قم: نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). بنیان مرصوص امام خمینی. قم: نشر اسراء.
- حاجی پور، حسین؛ مهدوی نور، سیدحاتم؛ رادان، صغری؛ میرزایی، محمد (۱۴۰۳). معناشناسی آلام در قرآن کریم با تحلیل مضمون و با رویکرد اخلاقی. فصلنامه قرآن و علم، (۳۴)، ۳۴۱-۳۶۴.
- حر عاملی، محمد. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البیت.
- خسرونژاد، مرتضی؛ قمی، محسن؛ شریفانی، محمد. (۱۳۸۷). نظریه حرکت جوهری؛ پیامدهای فلسفی-تربیتی. اندیشه دینی، (۲۹)، ۹۱-۱۱۶.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۷). اخلاق اسلامی. قم: معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: بیروت: دارالعلم.
- رحیمی خوزوقی، احسان؛ رحیمی، مهدی. (۱۳۹۷). هستی و چیستی انسان از منظر اندیشه‌های علامه طباطبایی (ره). معرفت فلسفی، (۱۲)، ۸۷-۱۰۵.
- رسولی، محمود. (۱۴۰۰). واکاوی اصل همبستگی خودشناسی با زیست اخلاقی از منظر نهج البلاغه. تأملات اخلاقی، (۶)، ۸۰-۹۵.
- سید رضی، محمدبن حسین بن موسی. (۱۳۷۹). نهج البلاغه (ترجمه و شرح: فیض الاسلام). تهران: فقیه، شیخ صدوق، محمدبن علی. (۱۴۰۳ق). الخصال (تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.
- صادقی، هادی. (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین. قم: طه.
- طباطبایی، محمدحسین (علامه طباطبایی). (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۹۰ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۷). تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: پژوهشگاه قرآن و حدیث.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۷۰). الوافی. اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). الکافی. تهران: اسلامیه.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۳). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.



- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- محمدری شهری، محمد. (۱۳۸۳). دانشنامه احادیث پزشکی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدری شهری، محمد. (۱۳۸۹). میزان الحکمه (ترجمه: حمیدرضا شیخی). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸). درس اخلاق؛ سیمای شیعیان در کلام امیر مؤمنان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، جلسه چهل و نهم.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳الف). آموزش عقاید. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳ب). به سوی او. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸). پیام مولا از بستر شهادت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). فلسفه اخلاق. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۳). سجاده‌های سلوک. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۶). خودشناسی برای خودسازی؛ مجموعهٔ مشکلات، (ج ۱ و ۲). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (بی تا). کلمه حول فلسفه الاخلاق. قم: در راه حق.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). مجموعه آثار، (ج ۲، ۴، ۵ و ۱۰). تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، روح الله (امام خمینی). (۱۳۸۷). شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (امام خمینی). (۱۳۸۳). شرح حدیث جنود عقل و جهل. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (امام خمینی). (۱۳۷۴). آداب الصلوه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نائیجی، محمدباقر. (۱۴۰۳). نقش زیست اخلاقی در معنای زندگی (از نگاه قاضی سعید قمی). اخلاق و حیاتی، (۳۰)، ۱۱۳-۱۵۴.
- نراقی، احمد. (۱۳۴۸). معراج السعاده. تهران: حوزه علمیه اسلامی.
- نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۳ق). جامع السعادات. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی